

## The Role of Education in ISIS's Survival Strategy (with Emphasis on Political Socialization)

Fariba Tarjoman<sup>1</sup>, Fatemeh Nasrolahi<sup>2</sup>

<sup>1</sup> Assistant Professor, Department of Political Science, Payam Noor University, Tehran, Iran (**Corresponding author**). tarjoman\_fariba@pnu.ac.ir

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of History, Payam Noor University, Tehran, Iran. nasrolahi2023@pnu.ac.ir

### Abstract

Political socialization denotes the formation of an individual's political attitudes and norms within society, acquainting individuals with political duties, rights, and roles while shaping their orientations, political behavior, and political personality; ISIS, recognizing the functions of political socialization, sought to focus on politically socializing youth and children to realize its objectives and ensure the future survival of its ideology. Accordingly, utilizing Louis Althusser's theory of the ideological state apparatus (*dispositif idéologique*), this research addresses the question: What role did children's education play in ensuring ISIS's survival? The study is premised on ISIS's attempt to institutionalize its ideology in future generations through their political socialization to guarantee the continuity of its Takfiri ideology. Investigations reveal that ISIS endeavored to inculcate its ideology in children and adolescents through its distinctive educational methods to cultivate a generation more committed and loyal than ISIS's current adherents, thereby ensuring the perpetuation of its ideology—signifying the continuation of fundamentalism (*bunyādgārāyī*) and the resultant insecurity.

**Keywords:** ISIS, Fundamentalism (*Bunyādgārāyī*), Ideology, Political socialization.

---

**Received:** 2024-12-10 ; **Received in revised form:** 2024-12-30 ; **Accepted:** 2025-02-06 ; **Published online:** 2025-04-09

<https://doi.org/10.22034/sm.2025.2007341.2106>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

**Article type:** Research Article

**Publisher:** Political Studies Association of the Seminary



## نقش تعلیم و تربیت در استراتژی تضمین بقای داعش (با تأکید بر جامعه‌پذیری سیاسی)

فریبا ترجمان<sup>۱</sup>، فاطمه نصرالهی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول). tarjoman\_fariba@pnu.ac.ir

<sup>۲</sup> استادیار، گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. nasrolahi2023@pnu.ac.ir

### چکیده

جامعه‌پذیری سیاسی به معنای شکل‌گیری ایستارها و هنجارهای سیاسی فرد در جامعه است که افراد را با وظایف، حقوق و نقش‌های سیاسی آشنا و به جهت‌گیری‌ها، رفتار سیاسی و شخصیت سیاسی آنها شکل می‌دهد. داعش، با توجه به کارکردهای جامعه‌پذیری سیاسی تلاش داشت تا به منظور تحقق اهداف و تضمین بقای ایدئولوژی خود در آینده، بر جامعه‌پذیری سیاسی نسل جوان و کودکان متمرکز شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با به‌کارگیری نظریه دستگاه ایدئولوژی لوئی التوسر درصدد پاسخ به این سوال است که تعلیم و تربیت کودکان چه نقشی در تضمین بقای داعش داشت؟ پژوهش بر این فرض استوار است که داعش درصدد نهادینه نمودن ایدئولوژی خود در نسل‌های بعدی و جامعه‌پذیری سیاسی آنها به دنبال تضمین بقای ایدئولوژی تکفیری داعشی در آینده بوده است. بررسی‌ها نشان داد، داعش تلاش داشته تا از طریق آموزش و تربیت به سبک خود، به نهادینه‌سازی ایدئولوژی خود در کودکان و نوجوانان بپردازد، تا نسلی متعهدتر و وفادارتر از نسل کنونی داعش تربیت نماید که تضمین‌کننده بقاء و تداوم بخش ایدئولوژی آنها در آینده باشند. این به معنای تداوم بنیادگرایی و ناامنی ناشی از آن خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** داعش، بنیادگرایی، ایدئولوژی، جامعه‌پذیری سیاسی.

**استناد به این مقاله:** ترجمان، فریبا؛ نصرالهی، فاطمه (۱۴۰۴). نقش تعلیم و تربیت در استراتژی تضمین بقای داعش (با تأکید بر جامعه‌پذیری سیاسی).

سیاست متعالیه، ۱۳(۱): ۲۴۷-۲۶۳. <https://doi.org/10.22034/sm.2025.2007341.2106>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰

© the authors

<http://sm.pnas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



## ۱. مقدمه

نسل جدیدی از جهادگران تکفیری در قالب داعش، با تکیه بر مبانی سلفیت جهادی به دنبال تحقق رویای دیرینه خلافت اسلامی ناب سلف در سال ۲۰۱۱ میلادی اظهار وجود کردند. آنها هدف خود را تغییر نظم جهانی و ایجاد نظم نوینی که مبتنی بر خلافت اسلامی باشد، اعلام نمودند. لذا، از همان ابتدای قدرت‌گیری در سوریه و عراق، تلاش داشتند تا نظم مورد نظر خود را در این مناطق، مستقر کنند. واقعیتی که داعش را از سایر گروه‌های اسلام‌گرای رادیکال متمایز می‌کرد، ویژگی‌هایی چون انگیزه، استراتژی، سازماندهی و تکنیک آنها بود (پورسعید، ۱۳۹۶: ص ۱۵۶). این گروه تکفیری- تروریستی، هدف جهانی خود را ایجاد مدینه فاضله آرمانی، که مبتنی بر تفاسیر بنیادگرایانه از اسلام بود، اعلام نمود. استراتژی داعش جهت تحقق این آرمان، مبتنی بر تلاش بی‌وقفه، جهت گسترش و ترویج عقاید خود در بین مردم و به ویژه کودکان و نوجوانان، در مناطق تحت تصرف خود بود؛ که در قالب آفرینش انسان‌های طراز اول و معتمد برای آنها نمود، می‌یافت. داعش، این استراتژی را از همان ابتدای قدرت‌گیری در مناطقی مانند سوریه و عراق، در قالب جامعه‌پذیری یا اجتماعی نمودن افراد، در پیش گرفت؛ تا بتواند به جذب و تربیت نیروهایی که کارآمد، مورد اعتماد، مطیع، گوش به فرمان و جان بر کف باشند، دست یابد. داعش، به این طریق در پی کامیابی، همسازی و همنوایی این افراد با ارزش‌ها، هنجارها و نگرش‌های خود، جهت طراحی و مهندسی یک جامعه تازه بود و در جهت تحقق این هدف، از همان ابتدا بر جذب کودکان و نوجوانان و استفاده از روش‌های مختلف برای آموزش و تربیت آنها متمرکز شد؛ تا بتواند با انتقال افکار، عقاید و ایدئولوژی خود، نسل جدیدی تربیت نماید که متضمن بقاء و تداوم‌بخش ایدئولوژی آنها در آینده باشد. ضرورت پرداختن به این مسأله و اهمیت آشکار نمودن اهداف داعش از تمرکز بر آموزش و جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان، ضرورت پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

بررسی ادبیات موجود حول محور مسأله داعش، از وجود آثار متعدد در این حوزه حکایت دارد. از جمله این آثار، کتاب مجموعه مقالات «فراسوی سازمان و ایدئولوژی داعش» تألیف شهبازی (۱۳۹۷) بوده که درباره فهم مضمون‌های ورای سازمان و ایدئولوژی داعش است. مقاله «واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق» اثر سمیعی اصفهانی و شریفی لمه (۱۳۹۵)، و مقاله «واکاوی ایدئولوژی داعش براساس نظریه توماس اسپریگنز» نوشته عباس حیدری و همکاران (۱۳۹۷) نیز از جمله آثار موجود در این حوزه هستند که به چگونگی شکل‌گیری ایدئولوژی داعش در خاورمیانه پرداخته‌اند. مقاله «ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی-اجتماعی گرایش به آن» اثر نوربخش و مهدی‌زاده (۱۳۹۴) پژوهش دیگری است که به بررسی ایدئولوژی جریان داعش و دلایل تاریخی و اجتماعی گرایش به آن پرداخته است. آنچه پژوهش حاضر را از

ادبیات موجود در این زمینه متمایز می‌سازد، بررسی چرایی تلاش داعش برای جذب کودکان و نوجوانان و موضوع جامعه‌پذیری سیاسی آنها به منظور بقای داعش در آینده است.

## ۲. چارچوب نظری

داعش، جریانی بنیادگرا، تکفیری و به تعبیری بخشی از یک پدیده جهانی است که تنها در درون جریان مدرنیته قابل فهم خواهد بود (Tibi, 1993: p. 32). آنچه امروزه، سطح آسیب‌رسانی و خطرآفرینی گروه‌هایی از این سنخ را افزایش می‌دهد، امکان دستیابی و استفاده آنها از امکانات و ابزارهای مدرنی است که در بستر و بطن جامعه و زندگی مدرن امروزی وجود دارند. داعش، با اینکه داعیه احیاء نظام سیاسی سنتی - اسلامی را داشت، اما بسیار مدرن‌تر از آن بود که تصور می‌شد. آنها در زمینه دسترسی به قدرت، کسب و حفظ و به‌کارگیری ابزارهای لازم، بسیار متمایز از حاکمان سنتی و مشابه حکومت‌های توتالیتر قرن بیستم عمل می‌نمودند. درحقیقت، داعش درصدد تحقق جامعه جدید آرمانی بود که بیشتر، به هدف جنبش‌های انقلابی مدرن شباهت داشت و مدینه فاضله مدنظر آنها نیز بسیار به آرمان‌شهرهای غیرممکن کمونیست‌ها و آنارشیست‌ها شباهت داشت؛ با این تفاوت که تحقق آن، در گرو اعمال خشونت پیشگامان و جان‌برکفان داعشی بود (Gray, 2014). جامعه آرمانی داعش، به هیچ مرز و جغرافیایی محدود نمی‌شد؛ بر همین اساس نیز یکی از کاربردی‌ترین ابزارهای داعش در این مسیر، گسترش گفتمان ایدئولوژیکی بود که اصول محوری آن مبتنی بر بنیادگرایی، خشونت، حذف غیرخودی و... بود. بر مبنای چنین گفتمانی نیز بقاء و امکان موفقیت داعش در این مسیر، در گرو جذب حداکثری نیرو و انتقال گفتمان ایدئولوژیکی خود به نسل‌های آینده بود. این مسأله ارتباط ناگسستگی با موضوع جامعه‌پذیری سیاسی در درون دولت‌ها و گروه‌های تروریستی دارد، که از طریق دستگاه‌های ایدئولوژیکی انجام می‌شود. بر این اساس، چارچوب نظری پژوهش حاضر می‌تواند مبتنی بر دستگاه ایدئولوژیکی «آلتوسر» باشد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

«آلتوسر» در کتاب «ایدئولوژی و دستگاه‌های ایدئولوژیکی دولت» به بررسی رابطه علم و ایدئولوژی پرداخته است (آلتوسر، ۱۳۷۸: ص ۵۴-۷۹). وی ایدئولوژی را غیرعلمی و راهی می‌داند که مردم برای درک جهان‌شان برمی‌گزینند... مجموعه‌ای از گفتمان‌ها است که از طریق آنها تجربه‌هایمان را درک می‌کنیم، و راهی در نظر می‌پندارد (فرتر، ۱۳۷۸: ص ۱۰۷). می‌توان ایدئولوژی را رابطه بین تخیل افراد و شرایط واقعی هستی‌شان است که در آن زندگی می‌کنند، در نظر گرفت. آلتوسر در مباحث خود در ارتباط با ایدئولوژی، به موضوع جامعه‌پذیری در درون دستگاه‌های ایدئولوژیکی توجه دارد و آن را مهم‌ترین عامل تبدیل ایدئولوژی

طبقه حاکم یا نظام سیاسی حاکم به ایدئولوژی برتر در جامعه می‌داند. این مورد می‌تواند در مورد گروه‌های سیاسی و تروریستی که داعیه کسب، حفظ و افزایش قدرت سیاسی و ایجاد نظم نوین جهانی دارند نیز صادق باشد. آلتوسر با توجه به اهمیت دستگاه ایدئولوژیک، که هدف آن نهادینه نمودن ایدئولوژی خاص در جامعه است، آن را مهم‌ترین پایه قدرت طبقه حاکم می‌داند (بشیریه، ۱۳۷۳: ص ۲۸). به نظر وی دستگاه دولت یا گروه حاکم، شامل دو مجموعه نهادی متمایز است. دستگاه دولت یا گروه حاکم که شامل تمامی نهادهای سرکوبگر مانند ارتش، پلیس، دادگاه، زندان، قتل و... است (آلتوسر، ۱۳۷۸: ص ۳۱-۳۷) و دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت و گروه حاکم، که شامل کلیسا، مساجد و نهادهای دینی می‌شوند و تحت عنوان دستگاه ایدئولوژیک دینی، نظام مدرسه و تعلیم و تربیت یا دستگاه ایدئولوژیک آموزشی، دستگاه ایدئولوژیک خانواده، حقوقی، سیاسی، خبری، سندیکایی و فرهنگی شناخته می‌شوند (آلتوسر، ۱۳۷۸: ص ۳۷-۳۸) که عمدتاً کارکرد آنها، نهادینه کردن ارزش‌ها، افکار و عقاید گروه حاکم در جامعه، با استفاده از ابزارهای خاص خود است. دستگاه سرکوبگر دولت یا گروه حاکمه، در درجه اول با تکیه بر سرکوب (به‌ویژه فیزیکی) کار می‌کند، در حالی که دستگاه ایدئولوژیک، بیشتر از طریق ایدئولوژی عمل می‌نماید و کمتر به سرکوب متوسل می‌شود (آلتوسر، ۱۳۷۸: ص ۳۹). بنابراین، دستگاه ایدئولوژیک دینی و نظام آموزشی، همواره از مهم‌ترین ابزارهای انتقال ایدئولوژی گروه مسلط در جامعه، محسوب می‌شوند؛ که به وسیله آنها در بستر دانش‌آموزی، مهارت‌آموزی و تعلیم و تربیت، ایدئولوژی گروه حاکم انتقال می‌یابد (مک دانل، ۱۳۸۰: ص ۹۲). این روند، که تحت عنوان جامعه‌پذیری سیاسی شناخته می‌شود، تلاشی جهت آموزش و تربیت افراد، به ویژه نسل آینده، زیر پرچم ایدئولوژی‌های خاصی است که در جوامع مختلف، برای بقای دولت یا گروه حاکم و تداوم ایدئولوژی آنها ضرورت دارد.

جامعه‌پذیری سیاسی به روش‌هایی مستقیم و غیرمستقیم انجام می‌شود. آموزش سیاسی، در زمره روش‌های مستقیم و تقلید و مشاهده نیز از روش‌های غیرمستقیم اثرگذار در جامعه‌پذیری سیاسی است؛ که معمولاً در قالب احساس همبستگی و یگانگی با جمع، انجام می‌شود. تجربیات فردی در محیط‌های سیاسی و تعمق در آن نیز می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد. در افراد مختلف، چگونگی و میزان اثرگذاری این روش‌ها متفاوت است (Dawson & Prewitt, 1965: p. 47). زمانی که افراد به شکلی عامدانه در معرض امور و مسائل سیاسی خاص قرار می‌گیرند تا با به‌کارگیری مکانیزم‌های مختلفی چون تقلید کردن، آموزش دیدن و ایجاد تجربیات سیاسی، تحت تأثیر قرار گیرند، دریافت سیاسی مستقیم صورت می‌گیرد. تقلید هم به عنوان یکی از اثرگذارترین شیوه‌های جامعه‌پذیری، می‌تواند به دو طریق آگاهانه و ناآگاهانه بر شکل‌گیری شخصیت

سیاسی افراد، در هر سن و سالی اثرگذار باشد (سپهر، ۱۳۸۹: ص ۶۵-۶۶). کودکان بخش مهمی از عقاید، ارزش‌ها و خصوصیات رفتاری مذهبی و سیاسی خود را از والدین خود آخذ می‌کنند. اقدام به تقلید از والدین به این دلیل است که از نظر کودک آنان افراد مهم و برجسته‌ای محسوب می‌شوند. برجسته جلوه دادن و با اهمیت شدن می‌تواند به فرآیند تقلید بینجامد. لذا، مهم و برجسته تلقی شدن یک فرد یا یک گروه در ذهن کودکان و نوجوانان می‌تواند به تقلید و پیروی از رفتارهای آنها بینجامد. در کنار تقلید، آموزش سیاسی قرار دارد؛ کوشش‌های برنامه‌ریزی شده و مستقیمی که هدف آنها، انتقال‌گزینش شده نگرش‌های سیاسی از جانب عده‌ای به عده‌ای دیگر است. در همه جوامع و نظام‌های سیاسی، این نوع آموزش، نقش اساسی در آشنایی شهروندان با حقوق شهروندی و ایفای مؤثرتر نقش شهروندی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی دارد. تقویت حس وطن‌پرستی، تعهد و وفاداری به نظام سیاسی و ارزش‌های آن و تقویت بنیادهای مشروعیت نظام سیاسی، از کارکردهای مهم نظام‌های آموزشی در دنیا است. بنابراین، برنامه‌ریزی برای آموزش سیاسی کودکان و نوجوانان در همه جوامع و نظام‌های سیاسی، در جهتی است که بتوانند سیاست و ایدئولوژی خود را نهادینه نمایند. این، موضوعی است که به‌زعم بسیاری از رهبران، در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد (سپهر، ۱۳۸۹: ص ۶۵). در ذهن رهبران سیاسی، آموزش سیاسی همواره یکی از سهل‌الوصول‌ترین ابزارهای تحکیم ارزش‌ها و هنجارهای موردنظر در جامعه و سبب استقرار بنیادهای مشروعیت جدید است. رهبران داعش نیز از این امر مستثنی نبوده‌اند. علاوه بر آموزش، تجربیات شخصی افراد، به ویژه در عرصه سیاست و برخورد با اشخاص، نهادها و وقایع سیاسی نیز از جمله مصادیق جامعه‌پذیری سیاسی مستقیم هستند؛ که متناسب با افزایش سن افراد، میزان اثرگذاری آنها نیز به مراتب بیشتر خواهد شد. در ارتباط با کودکان و نوجوانان، روش‌های غیرمستقیم جامعه‌پذیری و کسب تجربه در فضاها و محیط‌های غیرسیاسی، تأثیری به مراتب عمیق‌تر بر شکل‌گیری شخصیت سیاسی آنها دارد. در نهایت، می‌توان گفت در زمینه شکل‌گیری شخصیت سیاسی افراد، جامعه‌پذیری سیاسی، اثری به مراتب عمیق و با ثبات‌تر دارد (پاول و همکاران، ۱۳۷۲: ص ۶۳). لذا، جامعه‌پذیری سیاسی و عوامل مؤثر در آن، در هر جامعه و گروهی برای انتقال ایدئولوژی حاکم، اهمیت اساسی می‌یابند.

### ۳. عوامل جامعه‌پذیری سیاسی داعش

مهم‌ترین عوامل و نهادهای جامعه‌پذیری سیاسی، شامل خانواده، گروه همسالان، مدرسه، نهادهای مذهبی و رسانه‌های جمعی هستند. شیوه اثرگذاری و عملکرد هرکدام از این نهادها و عوامل سیاسی، در

عرصهٔ جامعه‌پذیری و میزان بهره‌گیری از آنها توسط دولت و گروه‌های سیاسی داعیه‌دار قدرت در جوامع، متفاوت خواهد بود. پژوهش حاضر، درصدد بررسی چگونگی بهره‌گیری داعش از مدارس، رسانه‌های جمعی، گروه همسالان و نهادها و آموزه‌های مذهبی، به منظور انتقال و درونی نمودن ایدئولوژی خود در کودکان و نوجوانان است. تلاش داعش از هدف‌گیری کودکان و نوجوانان، انتقال تدریجی فرهنگ سیاسی خود در قالب آموزش خاص در بستر مدارس داعش، انتقال ارزش‌ها و مفاهیم دینی از طریق نهادهای دینی و مذهبی و استفاده گسترده از رسانه‌های جمعی است؛ تا بتوانند به این طریق با نهادینه نمودن تدریجی ایستارها و هنجارهای خود، به هدف ضمانت بقای خود در درازمدت دست یابند. حاصل این نوع از جامعه‌پذیری به سبک داعش، تبدیل این کودکان و نوجوانان به انسان‌های تک‌ساحتی با شخصیت‌هایی دگم، خشن و متوهم است که تنها راه بقاء و زیستن امن را، در خشونت و حذف غیرخودی می‌دانند. نتیجهٔ چنین تربیتی، گرایش آنها به تلاش برای حفظ، ترویج و تداوم ایستارها و ارزش‌های درونی‌شان است که لاجرم به بقاء و تداوم ایدئولوژی داعش در درازمدت می‌انجامد. در ادامه، ضمن بررسی ایدئولوژی داعش، ابزارهای جامعه‌پذیری داعش نیز بررسی می‌شوند.

#### ۴. ایدئولوژی داعش و مکانیسم‌های جامعه‌پذیری آن

در یک تعریف، می‌توان ایدئولوژی را مجموعهٔ عقاید و باورهایی دانست که به تجربیات و انتظارات انسان شکل می‌دهند. ایدئولوژی، گفتمان آمرانه و اقتدارآمیزی است که فرمانبرداری، تبعیت و انقیاد بی‌چون و چرای انسان را می‌طلبد (خدایی، ۱۳۹۴: ص ۴۸). ایدئولوژی‌ها دارای مفاهیم بنیادی هستند که به کلیت آنها شکل می‌دهند. ایدئولوژی داعش، از مفاهیم بنیادی چون هجرت، جهاد، دعوت، خلافت اسلامی، بیعت، شهادت، امامت و آخرالزمان تشکیل شده است. رهبران داعش، تلاش دارند تا این مفاهیم را در عمل، اجرایی نمایند. به عنوان مثال، با استفاده از مفاهیمی چون منجی‌گری و آخرالزمان، سعی در جذب مردمی دارند که آرمان‌رهایی از ظلم و ستم را در ذهن خود دارند. آنچه در این بین اهمیت اساسی دارد، استفادهٔ ابزاری از هرکدام از این مفاهیم و یافتن نشانه‌هایی از اهمیت و پابندی مردم به آنها است؛ تا بتوانند با تمرکز بر آنها به جذب حداکثری مردم بپردازند. این مسأله، با موضوع تداوم و بقای ایدئولوژی داعشی و مؤلفه‌های محوری آن، ارتباط ناگسستگی دارد. داعش، به خوبی بر این جنبه از موضوع متمرکز شده و درصدد است تا به انحاء مختلف، بقاء ایدئولوژی و افکار خود و انتقال آن به نسل‌های آینده را تضمین نماید، لذا، موضوع جامعه‌پذیری سیاسی، یکی از محوری‌ترین مباحث در ارتباط با این مسأله است که داعش به اشکال مختلف به اهمیت آن

واقف بوده است. هدف آنها، جذب جوانان، نوجوانان و حتی کودکان در دستگاه ایدئولوژیک خود با استفاده از ابزارهای مختلف بوده است. این مسأله را می‌توان به وضوح، در سخنان سخنگوی رسمی دولت داعش و بررسی فعالیت‌های آموزشی و رسانه‌ای آنها دید. به عنوان مثال شیخ ابی محمد الدنان، سخنگوی رسمی دولت داعش، در یکی از سخنرانی‌های خود بیان می‌کند که: «ای آمریکایی‌ها، متحدان آمریکا یا مسیحی، بدانید که موضوع از آن چیزی که فکر می‌کنید و می‌بینید بزرگ‌تر و وحشتناک‌تر است. ما به شما هشدار می‌دهیم که امروز، ما در یک منطقه جدیدی هستیم که حکومت و سربازان و فرزندان رهبرند و نه برده. آنها کسانی هستند که به واسطه سن‌شان شکست را نمی‌شناسند، نتیجه نبردشان قبل از شروع، مشخص است. آنها آماده نمی‌شوند، مگر با اعتقاد کامل به پیروزی. کشته شدن پیروزی آنها است. شما با کسی می‌جنگید که هرگز شکست نمی‌خورد» (نوربخش و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ص ۲۴۴). در ادامه می‌گوید: «ما به اذن خدا بر روم شما مسلط شده، مقاومت‌تان را می‌شکنیم و زنان‌تان را اسیر می‌کنیم. اگر ما در این زمان نتوانیم، فرزندان ما یا فرزندان آن‌ها این کار را کرده و فرزندان شما را در برده‌فروشی‌ها می‌فروشند». در بطن این سخنان، اهداف داعش، به وضوح بیان شده است و آنجا که بیان می‌کند: «اگر ما نتوانیم فرزندان ما و یا فرزندان آنها این کار را انجام می‌دهند»، در واقع، موضوع تداوم ایدئولوژی در نسل‌های بعدی را مطرح می‌نماید. از این صحبت می‌توان به اهمیت جذب کودکان و نوجوانان در گروه تروریستی داعش و اهداف آنها پی برد. آنچه ضرورت تمرکز بر آموزش و تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان را در این گروه فراهم می‌آورد، آگاهی از این موضوع محوری است که جامعه‌پذیری نسل جدید در همه جوامع، رمز تداوم، مشروعیت سیاسی و پایداری آن نظام سیاسی یا منظومه فکری و ایدئولوژیک است. لذا داعش، به صورت هدفمند، بر موضوع جامعه‌پذیری سیاسی نسل‌های بعدی خود، با استفاده از روش‌های مختلف، متمرکز شده است که در ادامه بررسی می‌شود.

#### ۴-۱. مدارس داعش

بررسی‌های انجام شده در زمینه ایستارهای سیاسی و عوامل مؤثر بر نهادینه نمودن آنها، نشان می‌دهد که تعلیم و تربیت در مدارس و تحصیلات، یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر روند شکل‌گیری ایستارهای فردی هستند (پاول و همکاران، ۱۳۷۲: ص ۶۳). لذا، مدارس، به عنوان الگوهایی در جامعه و به دلیل وجود گروه‌بندی‌ها، مقررات و روابط اقتداری ویژه در درون آنها، به‌مثابه تمرینی از زندگی در جامعه سیاسی عمل می‌کنند. تدریس کتب و منابع درسی ویژه و همچنین انجام فعالیت‌های آموزشی و تربیتی غیردرسی در مدارس، آنها را به یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال ایدئولوژی گروه حاکم، تبدیل نموده است. لذا در

کشورهای مختلف، مدارس خصوصی، نژادی و مذهبی متعدد با سطح آموزش و امکانات متفاوت وجود دارد که کارویژه اصلی آنها انتقال فرهنگ و ایستارهای خاص به کودکان در جامعه و بازتولید آنها است (تیموری، ۱۳۷۸: ص ۶۱). داعش با توجه به این کارکرد مراکز آموزشی و اهمیت آنها در انتقال ایدئولوژی، ایستارهای فکری و اصول اعتقادی، بخش قابل توجهی از تلاش خود را بر دائر نمودن مدارس و مراکز آموزشی و تربیتی در مناطق تحت سلطه‌اش متمرکز نمود. در سوریه و عراق، مدارس «اسامه بن لادن»، «ابوبکر البغدادی» و «ابومحمد العدنانی» از جمله مدارس تأسیس داعش بود؛ که در آنها با تربیت نیروهای وفادارش، اقدام به پرورش نسلی می‌نمود که تابع بی‌چون و چرا و مروج تفکرات و ایدئولوژی داعش در جامعه باشند.<sup>۱</sup> گروه تروریستی داعش، همواره تلاش داشته تا به منظور تحقق این هدف، بر آموزش و تربیت کودکان و نوجوانان، به منظور بهره‌برداری از آنها در سطوح وسیعی بپردازد. نکته قابل توجه این است که، استفاده ابزاری از کودکان، توسط گروه‌های تروریستی و گروه‌های رادیکال، با اهداف متفاوت، به این گروه تروریستی محدود نمی‌شود؛ بلکه در ادوار مختلف از زندگی، این استفاده ابزاری از کودکان و نوجوانان وجود داشته است (Esman, 2016). نیاز حیاتی داعش به تربیت نسلی که حاملان و وفاداران به ارزش‌ها و ایدئولوژی آنها باشند، سبب شد تا با دیدی کاملاً استراتژیک با صرف هزینه‌های گزاف، اقدام به احداث مدارس و مکتب‌خانه‌های جدید نمایند. این کار، تلاشی برنامه‌ریزی شده برای جامعه‌پذیر نمودن کودکان و نوجوانان، به منظور انتقال ارزش‌ها، هنجارها و ایستارها و ادغام آنها در فرهنگ سیاسی داعش بود تا از این طریق بتوانند نسلی وفادار و متعهد، که حامل ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی آنها باشند، پرورش دهند (Palmieri, 2014). در واقع، تمرکز داعش بر آموزش کودکان و احداث مدارس خاص، ناشی از این واقعیت است که کودکان و نوجوانان را می‌توان به راحتی، وارد فرآیند تعلیم و تربیت نمود؛ زیرا ذهن آنان همانند لوح پاک و دست‌نخورده، انعطاف‌پذیر و در عین حال آسیب‌پذیر است و برخلاف بزرگسالان و افراد بالغ، تربیت کودکان و تبدیل آنان به عناصر افراطی کار ساده‌تری بوده و می‌توان ایدئولوژی گروه را راحت‌تر و خالص‌تر به آنان القاء نمود (NCTV & AVID, 2017). در نتیجه، کودکان نه تنها به دلیل فراگیری سریع، ارزشمند هستند؛ بلکه می‌توانند نگهدارندگان و ناقلان ایدئولوژی این دسته از گروه‌ها برای نسل‌های بعدی و تضمین‌کننده بقاء و تداوم آنها در آینده باشند. با توجه به این مسأله است که داعش، در مناطقی که از سرمایه و منابع لازم برای راه‌اندازی مدارس برخوردار بودند، به تأسیس مدارس می‌پرداخت و در مناطقی که این امکانات فراهم نبود، از طریق دعوت،

1. <https://farsnews.ir/world/1418811300000293599>

اقدام به جلب مخاطب و وفادار برای خود می‌نمود. در حقیقت، این گروه تلاش دارد تا در بستر مراکز آموزشی و مدارس خود، با انتقال فرهنگ سیاسی خاص به کودکان و نوجوانان و شکل دادن به هویت، سمت‌گیری‌های سیاسی و انگاره‌های فکری آنان، برای خود، نیروهایی پرورش دهد که حاملان ایدئولوژی و نظام فکری و ارزشی آنها باشند (Al-Tamimi, 2014). لذا، داعش، در کمپ‌های آموزشی خود، ضمن آموزش علوم اسلامی در قالب تدریس قرآن، شریعت و حدیث، درصدد تقویت ایمان کودکان و شکل دادن به نظام اعتقادی آنها است. هدف از این دسته از آموزش‌ها، شکل دادن به یک جامعه اعتقادی و تقویت ایمان کودکان و تولید نیروهای متعهد و وفادار بود. این نوع آموزش‌ها اصولاً در قالب رادیکال‌سازی نرم و روانی قرار می‌گیرند. در این زمینه می‌توان به مواردی چون خواندن سرودهای جهادی، ملبس کردن کودکان به لباس‌های متحدالشکل خاص و... اشاره داشت. بخش دیگری از آموزش‌ها در این مدارس، مبتنی بر آموزش علوم معمول و مهارت‌هایی مانند آمادگی جسمانی و استفاده از جنگ‌افزارهای مدرن است؛ که می‌توان آنها را «رادیکال‌سازی سخت» نام نهاد که هدف اصلی این دسته از آموزش‌ها نیز پرورش نسل جدیدی از پیکارگرانی است که بتوانند با جهاد و قدرت جنگاوری خود، زمینه اسقرار نظم نوین مدّ نظر داعش را فراهم آورند. در این حوزه نیز می‌توان به مواردی چون آموزش استفاده از انواع جنگ‌افزارهای مدرن و مشارکت در انجام عملیات‌های انتحاری اشاره نمود. داعش، در بستر نظام آموزشی و تربیتی خود به کودکان و نوجوانان آموزش می‌داد دشمنان آنان چه کسانی هستند و چگونه می‌توانند در قالب سرباز و یا بمب‌گذار انتحاری در جهت نابود کردن آنها، اقدامات مؤثری انجام دهند. در کل، داعش با به‌کارگیری مکانیزم‌های متعدد، از جمله استفاده از نهادهای آموزشی خاص، درصدد اعمال کنترل انحصاری بر اعضایش بود. در واقع، اتخاذ چنین سطحی از کنترل همه‌جانبه بر اعضاء، جهت تضمین پیوستگی و انسجام و تعریف سیاست‌های کلی گروه تروریستی داعش، بسیار کارآمد و مؤثر بود.

#### ۴-۲. گروه همسالان

در ارتباط با کودکان و نوجوانان، گروه همسالان یکی از اثرگذارترین عوامل در زمینه جامعه‌پذیری است. داعش، اولویت خود را بر ایجاد محبوبیت در اذهان عموم، به ویژه ساکنان مناطق تحت کنترل خود، قرار می‌داد؛ تا قلب‌ها و اذهان آنها را به انحاء مختلف تسخیر نمایند. لذا، این گروه از طریق منزوی کردن فرد و جدا ساختن او از تأثیر و نفوذ عوامل مزاحم از بیرون سازمان، برای تقویت ایدئولوژی خود در میان کودکان و نوجوانان بهره می‌برد. این گروه، با در نظر داشتن اثرپذیری کودکان و نوجوانان از گروه همسالان، تلاش داشتند

تا با به‌کارگیری سیاست‌هایی چون گرد آوردن کودکان و نوجوانان دور هم و جداسازی آنها از گروه‌های دیگر، به نوعی به ایجاد رقابت در بین آنها و سایر همسالانشان پردازند؛ تا بتوانند با ایجاد نوعی رقابت، همکاری و تجربه جمعی بین آنها و از طریق برانگیختن حس رقابت و حسادت در آنها، اقدام به تشویق و جذب سایر کودکان و نوجوانان نمایند. در واقع، داعش از طریق ایده‌آل‌سازی فرهنگ سیاسی خود، در قالب فرهنگی مشروع، مقدس و رهایی‌بخش فضای مناسبی برای پرورش خود ایده‌آل کودکان، ایجاد می‌نمود. به این طریق کودکان می‌پنداشتند جامعه داعش آفرین، جامعه‌ای آرمانی و مطلوب است؛ لذا، یک نوع رهایی‌بخشی خیالی به آنها القاء می‌شد که با عضویت در این گروه و انجام الگوهای رفتاری آنها، می‌توانند قدرتمند و متمایز از دیگران شوند و زندگی معنادار و مہججی داشته باشند (Peresin, 2015, p. 28). فرآیند آموزشی تکریم خشونت و خودقربانی کردن و شجاعت، به گونه‌ای نظام عقیدتی کودکان را شکل می‌داد که تنها خود و گروه خود را برتر و دیگران را بد، شرور و شایسته فنا و حذف شدن تلقی می‌نمودند. آنان تصور می‌کردند، برخلاف دیگر هم سن و سالانشان، نجیب و اصیل هستند و دیگران که در گروه آنان قرار نگرفته‌اند پست و حقیرند. در حقیقت بسیاری از افراد و از جمله کودکان و نوجوانان، با عضویت در چنین گروه‌هایی، برای نخستین بار «احساس مهم شدن می‌کردند، آنها می‌دیدند که آنچه انجام می‌دهند، با اهمیت تلقی می‌شود» (اقبال، ۱۳۹۷: ص ۲۶۵). در واقع، داعش از طریق ارائه تصویری جذاب از جهاد برای کودکان و نوجوانان، در مناطق تحت قلمروی خود و القای نوعی احساس هویت جمعی و مهم بودن، باعث تحریک حس حسادت در کودکان و نوجوانانی می‌شد که عضو آن گروه نبودند؛ لذا آنها هم تشویق می‌شدند تا به این گروه بپیوندند و به عنوان مروج و مبلغ آنها عمل نمایند. بنابراین داعش، با استفاده از تأثیرپذیری کودکان از گروه همسالانشان تلاش داشت تا در راستای تحقق اهداف خود، کودکان و نوجوانان بیشتری را جذب نماید.

#### ۳-۴. رسانه‌ها

با توجه به تأثیرگذاری رسانه‌ها بر افکار عمومی، داعش از بدو شروع فعالیت‌های تروریستی خود، رسانه‌های متعددی را با این هدف در راستای جذب نیرو و نشر افکار و عقاید خود، در اقصا نقاط جهان به کار گرفت. استفاده از رسانه، توسط داعش در چنان سطح وسیعی قرار داشت که برخی تحلیلگران، اینترنت را زمین بازی اصلی داعش تعبیر نمودند (صابر، ۱۳۹۳: ص ۲۴۹). گروه داعش، با هدف بازاریابی اندیشه سلفی‌گری، انتقال تفکر و ایدئولوژی خود به منظور جذب حداکثری نیرو، بر استفاده از رسانه‌های جمعی و شبکه‌های متعدّد اجتماعی چون اینستاگرام، واتساپ، توئیتر، فیس‌بوک و... متمرکز شدند؛ به طوری که تقریباً

بالغ بر ۸۰ درصد نیروهای داعش، از طریق همین شبکه‌های اجتماعی با داعش آشنا و جذب این گروهک تروریستی شده‌اند.<sup>۱</sup> این رسانه‌ها، اغلب دارای طیف وسیع و متنوعی از کاربران هستند. بررسی‌ها در این حوزه نشان می‌دهد داعش، هفت بازوی رسانه‌ای، تحت عنوان شبکه‌های اجناد، الفرقان، الاعتصام، الحیات، مکاتب الولایات، رادیو البیان و پایگاه اینترنتی دابق دارد؛ که با استفاده از آنها ایدئولوژی و تفکر مبتنی بر خشونت و ترور را در جهان ترویج می‌دهد. این گروه، دارای ۹۰ هزار صفحه از شبکه اجتماعی، به ویژه صفحاتی در فیس‌بوک و توئیتر نیز هست. اهمیت این حوزه، باعث شده تا داعش، دارای وزارت رسانه و اطلاع‌رسانی باشد؛ که محمد العدنانی وزیر آن بود. یکی از مهم‌ترین هدف‌های داعش در استفاده از رسانه‌ها، بازاریابی اندیشه و گسترش ایدئولوژی آنها در جهان است؛ تا بتوانند زمینه را برای جذب حامیان بیشتر فراهم آورند. در این زمینه، کودکان و جوانان تندرو، بیش از سایر گروه‌ها هدف قرار گرفته‌اند (همان). این گروه تروریستی با نشان دادن تصاویر کودکان در حال انجام عملیات‌های تروریستی و یا در حال قتل بی‌رحمانه افراد بیگناه، با لباس‌هایی خاص و سلاح‌هایی که از طریق بازی‌ها و رسانه‌های الکتریکی برای کودکان و نوجوانان، به نمادی از قدرت تبدیل شده‌اند، تلاش دارد تا به جذب و اثرگذاری بر گروه‌های هدف خود بپردازد. داعش با هدف جذب و اثرگذاری بر کودکان و نوجوانان، یک بازی ویدئویی به سبک بازی‌های GTA ساخت که در آن، هدف بازیگر، نیروهای عراقی و آمریکایی بود. این بازی دربرگیرنده همه تاکتیک‌ها و روش‌های جنایتکارانه‌ای بود که داعش، علیه مخالفانش به کار می‌گرفت (نجات‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ص ۹۲). دسترسی و کنترل داعش بر رسانه‌ها و برنامه‌های کاربری متعدّد، این فرصت را برای آنها فراهم آورده تا بتوانند با تولید محتوای خاص و به نمایش گذاشتن تصاویری از فعالیت‌های جهادی خود، به متکثّر سازی فرهنگ سیاسی، ارزش‌ها و بازتولید و انتقال مبانی ایدئولوژیکی خود در بین رده‌های سنی مختلف، به ویژه کودکان و نوجوانان بپردازند و از طریق همین رسانه‌ها، پیروان فراوانی در اقصی نقاط جهان پیام‌های آنها را دریافت کرده‌اند.

#### ۴-۴. نهادها و آموزه‌های مذهبی

مذاهب مختلف از طریق مناسک و سازمان‌های مذهبی خود، از اصلی‌ترین حاملان ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی هستند؛ به شکلی که در همه‌جا اثرگذاری هویت دینی و سازمان‌های مذهبی بر جامعه‌پذیری سیاسی افراد، قابل مشاهده است. نهادهای مذهبی مجرای مهمی در انتقال ارزش‌ها، هنجارها و اطلاعات به افراد

1. <https://www.khabaronline.ir/news>

جامعه محسوب می‌شوند (هرمز، ۱۳۷۶: ص ۷۶). برحسب این ویژگی نهاد‌های مذهبی است که، بنیادگرایان دینی همواره تلاش داشته‌اند تا با استفاده ابزاری از دین، آموزه‌های دینی، مبانی و اصول فکری و عقیدتی، خود را توجیه کنند و منطبق با آموزه‌ها و مبانی دینی جلوه دهند. در ارتباط با گروه داعش نیز این موضوع صدق می‌کند، ماشین واقعی جذب نیرو توسط داعش، «دیوان دعوت و مساجد» بود که مراکز تعلیم شریعت، مساجد، نماز جمعه، رسانه‌ها یا مراکز تبلیغاتی با نمایشگرهای بزرگ بود که صحنه‌های نبرد، گردن زدن، سخنرانی‌های ابوبکر البغدادی (رهبر داعش) و شعارها و سرودها را نشان می‌داد. این نمایشگرها در میادین اصلی، اماکن پر رفت‌وآمد و بازارها نصب می‌شدند. کودکان و نوجوانان، جذب این وسایل تبلیغاتی و تفکرات انتقالی آنها می‌شدند. دیوان دعوت و مساجد، جایگاه بالایی نزد مسئولان داعش داشت. دعوت مذهبی، جزء نخستین اقداماتی بود که داعش بعد از ورود به هر منطقه‌ای انجام می‌داد و شامل فراخوان رسمی ساکنان آن منطقه، برای پذیرش تفسیر خاص این گروه، از اسلام بود. در طول زمان نیز، اقداماتی چون تشویق به حفظ قرآن و شرکت در مراسمات مذهبی انجام می‌شد (Al\_Tamimi, 2013). در برخی موارد هم، نشر عقاید از طریق تشکیل گروه‌های کوچک یا پخش جزوه و نشریه در مساجد محلی انجام می‌شد. به عنوان مثال پس از مصادره کلیسای ارمنیان در رقه، آنجا به یکی از مراکز اصلی دعوت داعش تبدیل شد. دانش‌آموزان مجبور بودند هر روز صبح، در کلاس‌های تعلیم ایدئولوژی داعش، که معمولاً در مساجد تشکیل می‌شد، شرکت نمایند. مقامات داعش در قالب این کلاس‌ها به ترغیب کودکان و نوجوانان برای ملحق شدن به این گروه می‌پرداختند و از آنها می‌خواستند دوره ۹۰ روزه آموزش نظامی و تعلیم ایدئولوژی داعش را طی نمایند.<sup>۱</sup> بررسی فعالیت‌های داعش نشان می‌دهد که این گروه، با استفاده از نهاد‌های مذهبی و دینی خود و با تمسک به نص صریح قرآن، تلاش دارد برای عملکرد خود، در راستای تحقق اصول بنیادین گفتمان خود؛ که تحت تأثیر تفسیر بنیادگرایانه و سلفی از اسلام شکل گرفته است و شامل اعتقاد به خلافت، جهاد و شهادت (غفاری هاشجین و علیزاده سیلاب، ۱۳۹۳: ص ۹۶)، خودحقوق‌پنداری و برتراندیشی است؛ توجیه و تأییدات مذهبی لازم را فراهم آورد. به عنوان مثال: در بحث خلافت براساس آموزه خلافت، عامل سقوط و انحطاط مسلمانان را نابودی خلافت معرفی می‌کند و احیای مجدد خلافت اسلامی را عامل سعادت، بازگشت به شکوفایی و عامل رهایی از عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی می‌داند. در ارتباط با مفهوم جهاد و شهادت، با تمسک به آیات قرآن، شهادت را عالی‌ترین عمل قهرمان‌گرایانه و مورد ستایش معرفی می‌کند که پاداش آن دستیابی به

1. <https://B2n.ir/e47298>

سعادت ابدی، ورود به بهشت برین و رهایی از رنج و دردهای این جهانی انسان است و به این طریق، ترس از مرگ را حل و استقبال از شهادت را در میان اعضای خود ترویج می‌دهد. لذا، داعش توانست با استفاده ابزاری از آیات قرآن در حوزه جهاد و شهادت، روحیه استقبال از مرگ و شهادت را در بین اعضای خود القاء کند و مکتبی مبتنی بر استقبال از مرگ و شهادت‌طلبی ایجاد نماید (Moghadam, 2011). این گروه در بستر تفاسیر بنیادگرایانه خود از اصول و ارزش‌های اسلامی، درصد کسب مشروعیت‌های لازم برای خود هستند. بنابراین، خود را تنها مظهر ناب اسلام و اطاعت از قوانین خود را، تنها مسیر امنیت‌بخش به سمت سعادت معرفی می‌کنند و در این مسیر نیز مخالفان خود را کافرانی که باید کشته شوند معرفی می‌نمایند.

داعش در قالب کمپ‌های آموزشی متعدد خود، خلق‌کننده واقعی فرهنگ خشونت، نفرت و القاء‌کننده جزم‌اندیشی و نگاه مبتنی بر حذف بی‌چون و چرای غیرخودی‌ها، در ذهن و افکار کودکان و نوجوانان بود. لذا، داعش در بدو ورود به هر سرزمینی که به تصرف درمی‌آورد؛ درصد تسلط و تمرکز بر نهادهای مؤثر در جامعه‌پذیری سیاسی و ساختارهای معنابخش زندگی فرهنگی و اجتماعی کودکان بود؛ که شامل مدارس، مساجد، و رسانه‌ها و کمپ‌های آموزشی می‌شد و به این طریق تلاش داشت تا روند جامعه‌پذیری، نهادینه‌سازی هنجارهای خود و مرسوم و موجه جلوه دادن آنها را با موفقیت پیش ببرد.

## ۵. نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که آموزش کودکان بر مبنای یک نوع خاص از فرهنگ سیاسی رادیکال، بسته و متمایز از سایر فرهنگ‌های موجود، می‌تواند منجر به محدودسازی بینش و فهم آنها شود و این به معنای انسداد مسیر آشنایی و شناخت آنها با سایر فرهنگ‌های موجود و ناتوانی در برقراری تعامل با سایر چشم‌اندازهای سیاسی و فرهنگی موجود خواهد بود. این امر باعث می‌شود تا آنها جهان را صرفاً از منظر و مجرای ایدئولوژی جهادی که در آنها نهادینه شده است، ببینند و ایدئولوژی خود را تنها راه نجات بشریت و مسیر درست زیستن تلقی نمایند. در واقع، این سبک از جامعه‌پذیری سیاسی کودکان یکی از ابزارهای مؤثر، جهت انتقال و تداوم ایدئولوژی داعش در نسل‌های بعدی و یکی از عوامل عمده ایجاد ناامنی و رقم خوردن تحولات سیاسی خشونت‌آمیز و در نتیجه تداوم بی‌ثباتی، جنگ و خشونت به شکل رعب‌انگیز آن در آینده خواهد بود؛ چون جامعه‌پذیری سیاسی این کودکان و نوجوانان در بستری شکل گرفته که آنان را به عدم انطباق و ناسازگاری با غیرخودی و طرد هر فرهنگ و ایدئولوژی غیر داعشی ترغیب می‌نماید. به‌واقع، آنان به دنبال خلق نظم سیاسی نوین، مبتنی بر نظام سیاسی خلافت هستند؛ لذا، هر نظامی خارج از آن را نامشروع و

ناموجه قلمداد می‌کنند. این نکته به معنای طرد و حذف نظام‌های سیاسی جمهوری، پادشاهی، سکولار و غیره در منطقه و به رسمیت نشناختن آنان از سوی این نیروها خواهد بود. این امر، ناشی از ادغام‌ناپذیری این جوانان در درون نظام‌های سیاسی غیر از خلافت است. همان هدف بزرگی که داعش در پی تحقق آن است. به این طریق ما شاهد پرورش نسلی بسیار نیرومندتر و متعهدتر از نسل حاضر داعشیان خواهیم بود که ایدئولوژی خشونت‌بار داعش را در آینده تداوم خواهند بخشید.

## منابع

- آلتوسر، لویی (۱۳۷۸). *ایدئولوژی و ساز و برگ‌های ایدئولوژیک دولت*. ترجمه روزبه صدرآرا. تهران: چشمه.
- اقبال، حدیث (۱۳۹۷). تبیین خاستگاه‌های شناختی و ترسی مدل ذهنی گروه تروریستی داعش. پژوهش‌های راهبردی سیاست، شماره ۵۴: صص ۲۴۵-۲۷۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۳). مارکسیسم ساخت‌گرا: لویی آلتوسر. *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، شماره ۸۱-۸۲: صص ۲۲-۲۸.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۹۶). ضد تروریسم نوین. *مطالعات راهبردی*، شماره ۷۷: صص ۱۴۳-۱۷۸.
- پاول، بینگهام؛ مونت، رابرت جی؛ آلموند، گابریل (۱۳۷۲). *سیاست تطبیقی*. ترجمه: علیرضا طیب. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- تیموری، کبری (۱۳۷۸). بررسی نظام ارزشی نوجوانان شهر تهران و عوامل موثر بر آن. فرهنگ عمومی، شماره ۱۸-۱۹: صص ۶۱-۷۵.
- حیدری، عباس؛ نعی زرنندی، نصرالله (۱۳۹۷). واکاوی ایدئولوژی داعش براساس نظریه توماس اسپریگنز. *سیاست*، ۴۸(۴): صص ۹۰۷-۹۲۶.
- خدایی، علی (۱۳۹۴). *ایدئولوژی داعش. هفته‌نامه سیاسی-اقتصادی مستقل*، شماره ۳۰: صص ۲۰-۳۳.
- سپهر، مسعود (۱۳۸۹). یک چهارچوب نظری برای جامعه‌پذیری سیاسی نوجوانان ایران. *تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۳(۶): صص ۵۵-۸۵.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ شریفی لمه، ایمان (۱۳۹۵). واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری داعش در سوریه و عراق. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۲(۲): صص ۱۶۱-۱۸۸.
- شهبازی، علی (۱۳۹۷). *مجموعه مقالات فراسوی سازمان و ایدئولوژی داعش*. اریش.
- صابر، محمد (۱۳۹۳/۱۰/۲۷). داعش چگونه روی موج‌سازی رسانه‌ای پیشروی کرد؟ وقتی رسانه بستر خشونت می‌شود. *روزنامه خراسان*.
- غفاری هاشجین، زاهد؛ علیزاده سیلاب، قدسی (۱۳۹۳). مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی جریان سلفی تکفیری (مطالعه موردی: داعش). *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱(۵): صص ۱۰۳-۱۲۷.
- فرتر، لوک (۱۳۷۸). *لویی آلتوسر*. ترجمه امیر احمدی آریان. تهران: نشر مرکز.
- مک دانل، دایان (۱۳۸۰). *مقدمه بر نظریه‌های گفتمان*. ترجمه علی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.
- نوربخش، یونس؛ مهدی‌زاده، منصوره (۱۳۹۴). ایدئولوژی داعش و دلایل تاریخی-اجتماعی گرایش به آن. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲(۲): صص ۲۶۲-۲۳۹.
- نجات‌پور، معجد؛ میلانی، جمیل؛ نجات، سید علی (۱۳۹۳). پدیده داعش و شگردهای رسانه‌ای. *مطالعات رسانه و امت*، ۲(۱): صص ۸۹-۱۰۱.
- هرمز، مهرداد (۱۳۷۶). *جامعه‌پذیری سیاسی*. تهران: پازنگ.

- Al- Al-Tamimi, A. (2013). *The Islamic State of Iraq and ash-Sham Expands into Rural Northern Syria*.  
URL= <http://www.aymennjawad.org/13562/rural-northern-syria>
- Al-Tamimi, Aymenn. (2014 a). "Butchers: Syria's ISIS Crucifying Opponents, Justifying Horror with Quran Passages", PJ Media, March 27: at:  
<http://www.aymennjawad.org/14852/isis-use-of-hudud-punishments>
- Moghadam, A. (2011). *The Globalization of Martyrdom: Al Qaeda, Salafi Jihad, And the Diffusion of Suicide Attack*. Maryland: The Johns Hopkins University.
- Gray, J. (2014). *A Point of View: Isis and what it Means to be Modern*. London: BBC.  
URL= <https://www.bbc.com/news/magazine-28246732>
- Dawson, D. & Prewitt, K. (1965). *Political Socialization. Political Socialization: an analytic study (Little, Brown Series)*. The Little Brown.
- Esman, R. (2016). *Study Shows ISIS' Emphasis on Child Soldiers*. The Counter Jihad Report.
- NCTV & AVID (2017). *The Children of ISIS: The Indoctrination of Minors in ISIS-Held Territory*. National Coordinator for Security and Counterterrorism.
- Palmieri, E. (2014). *An Alternative to Going Ballistic. Countering Transnational Violent Extremist Networks Through a Law Enforcement Operational Approach*: In: New (And Old) Patern of Jihadism Al-Qaida, The Islamic State and Beyond. Istituto Per Gli Studi Di Politica Internazionale. Itaianstitute for international political studies (ispi).
- Peresin, A. (2015). Fatal Attraction: Western Muslimas and ISIS. *Perspective On Terrorism*, 9(3).
- Tibi, B. (1993). *The Challenge of Fundamentalism Political Islam and the New World Disorder*. Berkeley: University of California Press.